

درباره عبدالجلیل قزوینی و اهمیت کتاب النقض

ارزش نقض



سید مسعود رضوی

واصول و فروعثان بوده‌اند. موجودیتشان در خطر بوده و جماعتشان به رسمیت شناخته نمی شد، چون مشروعیتی نداشته‌اند، ناگزیر از تلاش برای حفظ و حراست از باورها و باورمندان بوده و تشکیلات و رموزی به کار بسته‌اند. شیعیان باید در هر زمینه‌ای حقانیت و ایمانشان را به اهل سنت و جوامع تحت پوشش خلفا و حکام ایشان اثبات می کردند. علمای سنی از هیچ کوششی در اثبات رفض و ابطال و ایراد کوتاه نمی آمدند آنان شیعه را محکوم به محاکمه‌ای دائمی کرده بودند و سسه اصطلاح معروف باطنی، ارفاقسی و قرمطی، تنها بخشی از عنوان گذاری مجرمانه بر شیعیان بود و جملگی اتهام بددینی را وارد می کرد.

کشف با ابداع بزرگان شیعه، مفهوم درخشانی به نام امام بود که علم لدنی دارد و تجلی حق و حقیقت و بلکه تبلور آن است.نورانیت و تأیید الهی ازجمله بارزه های امامان است. مفهوم قدرتمند وقرآنسانی امام، و اصل امامت در کنار نبوت، از همان زمان شیعیان غالی و پرشور عهد امام علی ع تا دوران نواب اربعه در ناحیهٔ مقدسهٔ سامرا، امامت جان گرفت و مورد توجه بود. مفهوم تبری نیز یک ایدهٔ سیاسی برای فاصله گذاری با خلفا ابداع شده بود. تولا یعنی محبت و عشق به امام و تیزاً یعنی نامشروع دانستن حکومت ظلم و ظلمه یا خلافت غاصبانه و مبتنی بر قهر و غلبه. امامت و عدل، دو اصل اساسی شیعه در کنار توحید و نبوت و معاد بود که مستقیماً در ارتباط با دو ایدهٔ «امام بر حق» و «عدم مشروعیت خلیفگان» و نظام تحمیلی موجود ابداع و به اصول دین اسلام افزون گردید. امامان البته صاحب اخلاق و دانش بودند و برخی اجتهادات و تعلیمات مشخص و رسمی داشتند، به ویژه امام باقر و امام صادق ع، اما اعتبار و مشروعیت ایشان بدین دلیل نبود. علمای ابرار بسیار بودند و ای بسا که اگر سنت و تبار و نور امامت مطرح نبود، اساساً محال بود که بر سر پیروی از ایشان بتوان قرار گرفت.

پس از دورهٔ نواب اربعه، دوران تحیر و تدوین آثار توضیحی و مدافعهٔ علمی و سپس در موضوع «تحریف قرآن» مطرحی نوشته و به نظر به سیاسی خلفا و حکام زمانه، شیعیان در این کار تعجیل کردند و بسیاری از اصول و عقاید خود را مطابق عرف اهل سنت و فقه ایشان شکل داده و حتی این کار را سفارش اکید برخی رؤسای مذهب دنبال می کردند. اما در دوره متأخر چنین نیست و شیعه با اعتماد بنفش از عقایدش دفاع می کند و ششور و شعاریی شیعی نیز که شائبهٔ غلو دارد، با تقدیس و اعتلای مقام امام و انسان کامل، از شریعت چهار مذهب تمایز می یابد.

اهمیت نقض در روشنگری همین دوران و شرایط خاص گذار شیعیان به نظام باورها و شرایع و آیینهای خاص و محبوب در دوره های بعد است. در کتاب نقض، اصول معمولی عقاید شیعه، همچون اتهاماتی در کيفرخواست نویسندهٔ بعض فضايح روافض مطرح شده و با قوّت و متانت و دلالت پاسخ داده می شود.

این مدافعات شامل چه موارد و عنوانهایی است؟ همهٔ موضوعات و عقاید و اصول و فروع و تاریخ و فقه و شریعت و شعار است، از جمله موضوعات اعتقادی ای چون: توحید و معاد و امامت، تحلیل تاریخی و اعتقادی ماجرای جانشینی پیامبر و جایگاه نص در امامت، اثبات نقلی مهدویت، رجعت، علت اطلاق عنوان «قطعی» بر امامیه، متعه، تقیه، رد وجوب نماز جمعه در عصر غیبت، مسئلهٔ «حی علی خیر العمل» در اذان و نیز موضوع ایمان ابوطالب که بسیار محل اختلاف و جدل بوده است. مباحث دیگری را، مانند نقد احادیث منقول از بوهریره و انس بن مالک را در لابلای پاسخگویی های نقض می توان یافت. رده‌بهای قزوینی، گاهی تبیین صحیح اعتقادات امامیه و بیشتر رد اتهامات و تهمت و بهتانی است که آنها را بی پایه و بی‌اساس قلمداد کرده است.



پیوست فرهنگی روزنامه اطلاعات

چهارشنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۳ - سال نودونهم - شماره ۲۸۷۳۳



تاریخ و چگونگی گردآوردن قرآن، در کتاب فصل الخطاب فی تحریف الکتاب حاج میرزا حسین نوری صاحب مستدرک الوسائل مشخص گردیده است. این کتاب در ۱۲۹۲ هـ– ۱۸۷۵ م تألیف و در ۱۲۹۸ هـ– ۱۸۸۱ م در ۲۷۴ ص. چاپ شده، ومورد اعتراض برخی سنی مآبان قرار گرفت که تحت تأثیر اندیشه های اتحاد اسلام سید جمال اسدآبادی افغانی شده قرار داشتند.

پس کتابی بنام کشف الارتیاب بر ضد آن نگاشته شد(ذ ۱۸: ۹) و حاجی نوری ردی بر این کتاب نگاشت(ذ ۱۰: ۲۲۰ و ۱۶: ۲۳۱) است... تاریخ نشان می دهد که در چهار سدهٔ نخستین اسلام که مذهب تجسیم و تشبیه مذهب رسمی سنتی دولتی بود، هر جا که خلیفگان قرآن را تکید کرده و چنین عقیده‌ای را اشتباه دانسته و به تحریف‌ناپذیری این همه برخی چنین باوری داشته‌اند و تاریخ این ماجرا بس دراز است.

من برای نمونه در دوران معاصر، از دکتر علیقنی منزوی، فرزند ارشد شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه، که کتاب مشهور «در س‌هایی دربارهٔ اسلام» که اثر گلزپهر را به فارسی ترجمه کرده‌است، مطالبی ذکر می‌کنم. علیقنی منزوی جدای ترجمهٔ اثر مهم گلذپهر، پانوشته‌های قابل تأملی هم بر آن نوشته‌است. یکی از این‌ها اما خیلی جلب‌تأثیر

درباره نظر برخی علمای بزرگ شیعه، تا همین اواخر، کمی پیش از انقلاب، در خصوص موضوع «تحریف قرآن».

منزوی نوشته‌است که برخی علمای بزرگ شیعه، تا همین اواخر، کمی پیشتر از انقلاب ۱۳۵۷، در خصوص تاریخ جمع آیت و تدوین سوری و سپس در موضوع «تحریف قرآن» مطالبی نوشته و به نظر به تحریف و دست‌خلفا و عمال ایشان استدلال کرده‌اند. با توجه به اهمیت نظر وی، متن توضیح کلایهٔ آمیز و کتابه خیز منزوی در پانوشته‌های ۶۶ و ۶۷ را مینا ذکر می‌کنم: «۶۶ گل‌زنگلدپهر برای جلب دوستی ستیانو و تنزه خلیفگان، ۲۰ سال آغاز حکومت آنان را موافق قرآن قلمداد می‌کند. وگرنه تا آنجا که تاریخ روش‌ن‌است، این قرآن موجود که به دست عثمان گردآوری شده و به نام او منسوب است، دست کم دوازده سال پس از ویران شدن تیسفون به دست سسپاهیان عُمر، و پس از آنکه نازیان در عراق و ایران، با کتابهای اوستا و تورات و کتابهای مرقیون و ابن‌دیسبان و ارتنگ‌مانی و انجیل‌های مسیحی آشنا شدند، و پس از درخوستهای کتبی مکرر امیران خلیفهٔ عرب از خلیفه، که کتاب ایشان را فراهم آورد و محافظه‌کاری خلیفهٔ به‌عذر اینکه: «کاری که پیغمبر نکرد، چگونه انجام دهم؟» تازه به دستور عثمان و به دست‌ده‌ای از یاران، که همگی جزو گروه مخالف اهل‌صفهٔ و خاندان پیغمبر بودند، یعنی بر ضداندیشه‌های مترقی تر گنوسیسیمز یمنی و بالاخره هند و ایرانی بودند، نوعی جمع‌آوری گردید. حال باید از گل‌زپهر پرسید: آیا ۲۰ سال اول خلافت، مطابق قرآن جمع‌ناشده بود یا مطابق قرآنی که گوین علی‌خانه‌نشین شده، جمع کرده و عرضه داشته، و خلفا نپذیرفته بودند؟»

در ادامه و در پانوشت بعد، فارغ از موضوع بحث و تاریخ آن، یک «گزارش درونی» و خاطرهٔ ییخانوادگیر نیز بیان می‌کند و خواندن آن برای آشنایی با مواضع علمای محافظه‌کار و به‌طور کلی مواجههٔ علما با این مباحث قابل توجه است: «...در توضیح پانوشت ۶۶ و ۶۷ باید یادآور شد که نظر شیعه دربارهٔ

پیوست فرهنگی روزنامه اطلاعات

چهارشنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۳ - سال نودونهم - شماره ۲۸۷۳۳

گاهی وصف شده و برخی وقایع عصر او برای ثبت در تاریخ آمده است. یک نکته جالب هم که او گفته، برپایی مراسم نماز جمعه از سوی امامیهٔ معاصر اوست که احتمالاً برای نشان دادن تقید و تعهد به احکام و اجتماعات معمول و همانند اغلب سنییان بیان کرده‌است.

گواهی نقض درباره عاشورا و سوگواری امام حسین (ع)

به روایت قزوینی در النقض، در روز عاشورای ۵۵۵ه‍.ق. بعد از نماز در جامع عتیق با اجازه قاضی و با حضور بزرگان و امراء دیدند که خواجه تاج شعری حنیفی نیشابوری درباره امام حسین (ع) چگونسه مبالغه کرد (همان، ص ۴۰۶). قزوینی نه تنها شیعه‌ها که از ارادت و تعزیت برخی از سنییان گزارش کرده و گوید:«صفهان که در مذهب سنت در عهد خود مقتدا بوده‌است، هر سال این روز را عزیت به آشوب و نوحه و غریو داشته‌اند و هر که رسیده باشد دیده و دانسته باشد و انکار نکند» (همان: ۴۰۴). «در بغداد که مدینه‌السلام و مقر دارالخلافه است خواجه علی غزنوی حنیفی (حنفی) تعزیت می‌داشت تا به حدی که به روز عاشورا در لعنت سفیانیان مبالغتی می‌کرد. تعزیت حسین هر موسم عاشورا به بغداد تازه باشد با نوحه و فریاد» (همان: ۴۰۴-۴۰۵). «در همدان اگر چه مشبهه را زلمیه باشد، برای حضور رایت سلطان و لشکر ترکان، هر سال مسجدالدلین مذکر همدانی در موسم عاشورا این تعزیت به صفتی آید که قمیان را عجب آید و خواجه امام نجم بلمعالی بن ابی‌القاسم بُزاری به نیشابور یا آنکه حنفی مذهب بود، این تعزیت به غایت کمال داشتی و دستار بگرفتی و نوحه کردی و خاک پاشیدی و فریاد از حد بیرون کردی» (همان: ۴۰۵). این جستارها بیانگر قدمت سنت عزاداری عاشورای حسینی در عصر سلجوقیان نزد اهل سنت است.

صحیح نقض؛ محدث ارموی

حالا که به آخر بحث درباره کتاب نقض رسیدیم، ذکر خبری هم از صحیح فاضل کتاب که علاوه بر توضیح پاکیزه، هزار صفحه پژوهش و افاضات هم بنام تعلیقات بر آن افزوده، می‌نماییم: مرحوم استاد سید جلال‌الدین محدث ارموی، زاده ۱۲۸۳ در ارومیه، و در گذشته ۵ آبان ۱۳۵۸، قرآن پژوه، صحیح نسخه های خطی و پژوهش گر سختگی ناپذیر متون کهن ایرانی بود. او داماد سید احمد طالقانی یعنی شوهر خواهر جلال آل احمد بود و تصحیح و تحقیق نزدیک به ۷۰ کتاب از آثار کهن شیعی را در کارنامه خود دارد.

محدث ارموی تحصیلات مقدماتی را در ارومیه فرا گرفت سپس به مشهد رفت و در سال ۱۳۲۰ (خورشیدی) به تهران آمد و در کتابخانه ملی به خدمت مشغول شد. در سال ۱۳۳۵ به تدریس در دانشکده الهیات پرداخت که تا سال ۱۳۴۷ خورشیدی ادامه داشت. یکی از استادان او علامه سید حسین عرب‌ربانی به او لقب محدث داد. وی تا آخرین روز عمرش به تألیف و تحقیق متون کهن اشتغال داشت. برخی از مهمترین عناوین آثار وی عبارت است از: کتاب الفرائد کوفی (متوفی ۲۸۳ ه‍.ق)/الایضاح فצל بن ساذان نیشابوری (متوفی ۲۶۰ ه‍.ق)/ تفسیر گازر ابوالحسن جرجانی در ده جلد/ شرح غررالحکم آقا جمال خوانساری (قرن ۱۱)/ تصحیح کتاب «ترجمه و شرح مصباح الشریعه» تألیف ملا عبدالرزاق گیلانی در سال ۱۳۴۲.

محدث ارموی نزدیک ساعت ۲ بامداد ۵ آبان ۱۳۵۸ درگذشت. در جوار آرامگاه ابوالفتح رازی در حرم شاه عبدالعظیم به خاک سپرده شد.
کتاب نقض از مهمترین تصحیحات سید جلال‌الدین حسینی ارموی بود که نخستین‌بار در سال ۱۳۳۱ش، در تهران به‌چاپ رسید. محدث ارموی تصحیح انتقادی خود از این کتاب را به تسویق و حمایت محمد قزوینی و عباس اقبال آشتیانی آغاز کرد. قزوینی و اقبال قصد تصحیح و چاپ این کتاب را داشتند، که پس از اطلاع از علاقه و شوق محدث ارموی به این اثر، کار را به او واگذار نمودند، و یادداشت‌ها و تصحیح‌های اولیه خود را به او سپردند.

محدث در ۱۳۳۵ش رساله‌ای با نام مقدمهٔ نقض و تعلیقات آن و در ۱۳۳۶ش، کلید نقض و تعلیقات آن را منتشر کرد. پس از چاپ نخست، پژوهش دربارهٔ نقض را رها نکرد و به تکمیل تصحیح و تعلیقات آن پرداخت که نتیجهٔ آن چاپ دوم کتاب بود. این چاپ اندکی پس از مرگ او، در ۱۳۵۸ش، به‌همت انجمن آثار ملی به‌همراه با متن النقض و تعلیقات مفصل محدث در دو مجلد منتشر شد.



پیوست فرهنگی روزنامه اطلاعات

چهارشنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۳ - سال نودونهم - شماره ۲۸۷۳۳

از یادداشت‌های دکتر رسول جعفریان

نمونه‌هایی از علوم قدیمه و تعارضات آن با دانش جدید

۱. نجوم

خوابگردها و تأثیر آن در فرهنگ انسانی

شاید یکی از قوی‌ترین و ریشه‌دارترین اندیشه‌های بشری، تصورات و توهمات او در باره ستارگان باشد، تصوراتی که منشأ باورهای او در باره هستی، طبیعت، انسان و تقدیرات و سرنوشت آنهاست. «یالا» بودن، «نور» داشتن، «حرکت» کردن، «نظم» زمان و بسیاری از ویژگی‌های دیگر، سبب توجه انسان به آنهاست و تأثیرشان بر زندگی خود و جهان اطرافش روی زمین بود. نور خورشید، حیات می‌آورد، چنان‌که نور ماه، راه را روشن می‌کند، ستارگانی چند موقعیت او را مشخص می‌کردند، و در سفرها به کمکش می‌شتافتند، و به هر روی، اعجاب و شگفتی، از همه جای آن آشکار بود. این که ستارگان چیستند، موجوداتی زنده، ارواحی معلق، خدایانی بزرگ و قدرتمند که کارها را میان خود تقسیم کرده‌اند، و این که چگونگی و با چه سازوکاری روی زمین و در مقدرات ما سرنوشت‌سازند، مسائلی بود که در بیشتر اقوام قدیمی و تا به امروز، پاسخ‌هایی به آنها داده شده که تا به امروز در فکر مردمان باقی مانده است. شهرت دارد که بابلی‌ها عقاید کهن در این زمینه را سامان دادند، بعدها مصری‌ها از یک طرف و هندی‌ها از طرف دیگر، سامانه‌های خود را در این زمینه تعریف کردند. در این میان، حتی ریاضی و هندسه هم به کار آمد و صورت علمی به پاره‌ای از اینها دارد. شاید اول تجسیم بوده و بعد نجوم. یونانی‌ها هم از دست این باورها خلاص نشدند و داستان احکام نجوم تا دنیای پیشامدرن باقی ماند. دین‌های خاورمیانه‌ای تا حدی این باورها را به نفع خدا تعدیل کردند، اما عقاید مزبور، صورتش را عوض کرد و سعی کرد با خدا واحد هم سازگارش کند. میراث تجیمی مسلمانان که همان عقاید کهن است و تغییراتی به حسب حال و هوای موجود در فراید طبیی اجزاء جفد و خوک و استفادهٔ کیمی از اجزاء مختلف آنها برای درمان برخی از بیماری‌ها و حتی برای ایجاد محبت یا دشمنی در شخصی و یا عقد شهوت، از طریق خوردن دارو در طعام او صورت می‌گیرد. در طب حیوانی، تنوع ساختن انواع داروها از حیوانات، و امکان استفادهٔ آنها برای انواع و اقسام بیماری‌ها، بسیار شگفت است. این که چه مغزی در پشت سر این قبیل مطالب بوده و بر اساس چه معیارهایی ساخته شده، فهمش دشوار است، اما حقیقت آن است که هزاران سال بشر به این خرافات عادت کرده و به عنوان اصول مسلم از آنها استفاده می‌کرد.

در شماره بعد نمونه‌ای را می‌آورم تا با سبک و سیاق طب حیوانی – در نهایت بخشی از طب سنتی شامل طب گیاهی یا طب سنگها و… شد – آشنا شوید، مباد ذهن کهنه‌ای فکر کند بنده در حال بیچیدن نسخه هستم.

و هر که خواهد تا این باب به شرح و بسط بپردازد باید که در بیان قوّت‌های آن کوکاب از کتاب اصطلاح طبی تأمل کند.

۲. پزشکی

طب حیوانی

پزشکی حیوانی، بخشی از طب سنتی است که در آن، درمان به وسیله اجزاء حیوانات و تهیه و تدارک دارو از آن برای انسان و یا ستوران استفاده می‌شود. تقسیم بندی فصول این قبیل منابع، بر اساس، نام حیوانات است که گاه تر کیمی از دو حیوان است. برای مثال، مورد زبر، فراید طبیی اجزاء جفد و خوک و استفادهٔ کیمی از اجزاء مختلف آنها برای درمان برخی از بیماری‌ها و حتی برای ایجاد محبت یا دشمنی در شخصی و یا عقد شهوت، از طریق خوردن دارو در طعام او صورت می‌گیرد. در طب حیوانی، تنوع ساختن انواع داروها از حیوانات، و امکان استفادهٔ آنها برای انواع و اقسام بیماری‌ها، بسیار شگفت است. این که چه مغزی در پشت سر این قبیل مطالب بوده و بر اساس چه معیارهایی ساخته شده، فهمش دشوار است، اما حقیقت آن است که هزاران سال بشر به این خرافات عادت کرده و به عنوان اصول مسلم از آنها استفاده می‌کرد.

در شماره بعد نمونه‌ای را می‌آورم تا با سبک و سیاق طب حیوانی – در نهایت بخشی از طب سنتی شامل طب گیاهی یا طب سنگها و… شد – آشنا شوید، مباد ذهن کهنه‌ای فکر کند بنده در حال بیچیدن نسخه هستم.

